این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

انفاق اموال همانند دانه‌ای است که ۷ خوشه برویاند

آیت‌الله محمدباقر تحریری:

«انفاق» متناسب با مراتب مختلف ایمان درجات گوناگونی دارد: برای آنان که مالکیت خداوند را در حد توجه ذهنی درک کرده و پذیرفته‌اند (علم‌الیقین)، انفاق ایشانِ در محدوده واجبات و مستحبات مالی مطرح می‌شود و معمولاً با دشواری همراه است، زیرا انسان در این مرتبه، به اموال و دارایی‌های خویش دلبسته است و آنها را مال خود می‌بیند، هر چند در محدوده ذهن و گفتار خویش، آنها را به خداوند متعال منتسب می‌داند، به همین جهت جدا شدن از آنها برای وی، سخت و طاقت‌فرساست.

قرآن کریم در برخی آیات، چنین افرادی را به آثار و برکات دنیایی و آخرتی انفاق متوجه ساخته و فرموده است: «مَثَلُ الذینَ یُنفقُونَ أَموالَهُمْ فی سَبیلِ الله کَمَثَلِ حَبهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابلَ فی کُل سُنْبُلَهٍ مائَهُ حَبهٍ وَالله یُضاعفُ لمَنْ یَشاءُ وَالله واسعٌ عَلیمٌ: مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای هستند که هفت خوشه برویانند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست.»

منبع: کانال تلگرامی «صراط مستقیم» برگرفته از کتاب گام‌های آغازین سلوک

درباره خدا حساسیت پیدا کنیم

کانال تلگرامی «یادنامه حاج اسماعیل دولابی» به استناد کتاب مصباح‌الهدی صفحه ۲۴۶ بخشی از گفته‌های مرحوم دولابی را به اشتراک گذاشت. ایشان فرموده‌اند: ان‌شاءالله حس‌های ما رو به خدا برود و درباره خدا حساسیت پیدا کنیم و حساس شویم. این حساسیت، علم و همه کمالات را در انسان ایجاد می‌کند. چرا نسبت به دنیا حساسیت داریم و مثلاً به خاطر گرانی یا خطر اجانب خودمان را می‌بازیم، اما نسبت به آخرت حساسیت نداریم و خودمان را نمی‌بازیم؟

«صد سال تنهایی» چطور وارد امریکا شد؟

کانال «دنیای اقتصاد» نوشت: امریکا به مدت سه دهه مانع ورود گابریل گارسیا مارکز به کشور خود شده بود، چراکه او در دهه ۱۹۵۰ با حزب کمونیست کلمبیا در ارتباط بود و برای مدتی عضوی از این حزب به حساب می‌آمد. با این حال، موندو نوئو (Mundo Nuevo) مجله کلمبیایی که از سوی سیا تأمین مالی می‌شد، دو فصل از شاهکار «صد سال تنهایی» را یک سال قبل از انتشار کتاب در سال ۱۹۶۷ چاپ کرد و به طور خاص گزیده منتشرشده شامل «جنگ موز» نبود.

جنگ‌های موز مجموعه‌ای از درگیری‌ها بود که شامل اشغال نظامی، اقدام پلیسی و مداخله ایالات‌متحده در امریکای مرکزی و کارائیب بین سال‌های پایان جنگ اسپانیا و امریکا در سال ۱۸۹۸ تا آغاز سیاست همسایگی خوب در سال ۱۹۳۴ بود. به گزارش اکونومیست آنچه از سوی موندو نوئو چاپ شده بود، عمدتاً توصیفاتی از کلمبیا به سبکی بود که بعدها به عنوان رئالیسم جادویی شناخته شد. این مجله که عمدتاً مقاله‌های طرفدار امریکا و ضدکمونیست را منتشر می‌کرد، با انتشار اثر مارکز نشان داد پذیرای آثار نوشته شده از سوی طرفداران چپ سیاسی نیز هستند. هر چند بعدها زمانی که گارسیا مارکز متوجه شد بودجه موندو نوئو از سوی سیا تأمین می‌شود، بسیار عصبانی شد و در نامه‌ای به ناشر خود اعتراض خود را اعلام کرد.

یک قلم از صدها دلسوزی امریکا برای کاهش رنج مردم غزه!

سیدعلی موسوی در توئیتی نوشت: جان کربی گفته، هیچ کشوری وجود ندارد که «برای کاهش درد و رنج مردم غزه بیشتر از امریکا تلاش کند». به گزارش وال‌استریت ژورنال، برای کاهش درد و رنج مردم فلسطین، امریکا از هفتم اکتبر تاکنون بیش از ۱۵ هزار بمب هواپرتاب و ۵۷ هزار گلوله توپ را به اسرائیل منتقل کرده است.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به دست‌وپازدن رسانه‌ای رژیم‌صهیونیستی پس از شکست ترمیم‌ناپذیر

دستگاه کودن پروپاگاندای اسرائیل!

پس از انتشار تصویری که رژیم‌صهیونیستی مدعی شده بود بعضی از نیروهای حماس را دستگیر و مجبور به برهنگی کرده است، برخی کاربران اثبات کردند این تصاویر مربوط به نیروهای حماس نیست و بعضی از افراد حاضر در تصویر پناهجوهای داخل کمپ سازمان ملل هستند.

رژیم‌صهیونیستی ویدئوهایی نیز منتشر کرده که آنها نیز مورد تمسخر کاربران قرار گرفته است. کاربران گاف‌هایی رسانه‌ای از این تصاویر استخراج کرده و آن را نشانه‌ای بر ضعف و سرگیجه دستگاه پروپاگاندای اسرائیلی دانسته‌اند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

کاربری با نام «Punisher»:
دستگاه پروپاگاندای اسرائیل به شکل عجیبی کودن است! ارتش رژیم این عکس رو تحت نام تسلیم‌شدن مبارزان حماس منتشر کرده. سؤالی که پیش میاد اینکه چطور شما طرف رو تا لباس زیر لخت کردید که مطمئن بشید بمب یا نارنجک همراهش نیست، اما تفنگش رو ازش نگرفتید یا شاید رفتید تعدادی غیرنظامی اسیر کردید، بعد تفنگ دادید دست یکیشون تا از هیچ موفقیت بسازید!

کاربری با نام «ایلجان»:
پناهجوهای داخل پناهگاه سازمان ملل رو به اسم حماس لخت کردن. حالا که مخاطبین مدیر مدرسه سازمان ملل و یکی از کارمنداش رو شناسایی کردن و دروغ اسرائیل رو شده، صهیونیست‌ها رئیس سازمان ملل رو تگ کردن، میگن نیروهات بین تروریست‌ها بودن استعفا کن! ببین اینا چقدر حروم‌زاده‌اند.

رضا خسروی:
آقا! اسرائیلی‌ها اینطور صحنه «تسلیم‌شدن مرد لخت» را دو بار فیلمبرداری کرده بودن. حواس‌شون هم نبوده و اسلحه هر بار در یکی از دستان مرد (مالک یک مغازه آلومینیوم‌سازی) است، یعنی خاک بر سر روابط عمومی ارتش اسرائیل و کلهم اپوزیسیون قلابی ما که یک روز روی این ویدئو مانور داد!

امید داراب:
اسرائیلی‌ها خواستند مثلاً با لخت کردن چند نفر جلوی دوربین از غرق‌شدن‌شان در بلای شکست ترمیم‌ناپذیر جلوگیری کنند اما همین کار احمقانه‌شان هم دوباره ترکشی شد از طوفان‌الاقصی که بر سرشان وارد آمد. اینها دقیقاً نشانه شکست است؛ شکستی سرگیجه‌آور و حقیرکننده!

کاربری با نام «آدم»:
برررررر گام! یعنی اسرائیل هر روز یه گند رسانه‌ای می‌زنه، بعد میاد با پروپاگاندای بعدی درستش کنه، اونم بدتر تر می‌زنه توش. دیروز یه‌سری فلسطینی رو دزدیدن و لخت کردن که بگن اعضای حماس رو از جنوب غزه گرفتیم، بعد گندش درامد که اولاً اونا مردم تو کمپ پناهندگان بودن، ثانیاً شمال غزه بوده، ثالثاً بین‌شون خبرنگار و بچه ۱۵ ساله و کارمندای سازمان‌ملل بود. حالا امروز اومدن یه فیلم جدید ساختن با صدتا سوتی. اولاً اینکه پشت‌سر این افرادی که گرفتن پناهگاه سازمان‌ملله! ثانیاً اینکه اول اومدن لختشون کردن که مثلاً تجهیزات نظامی تو لباسشون نباشه، بعد اومدن اسلحه خالی دادن دست این پیرمرد که از جلوی دوربین رد بشه! ثالثاً و از همه مسخره‌تر آخرشه که مثلاً از این همه جمعیت کلاً دو تا کلاش گرفتن تو فیلم نشون میدن! واقعاً سطح حماقت مخاطب‌شون رو دهها پله ارتقا دادن.

علی شیرازی:
در حماقت اسقاطیلی جماعت همین بس که اسیر رو آخر سر خلع سلاح میکنن و اول لخت و بازرسی بدنی!

کاربری با نام «صدرا»:
اسرائیل برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر مردم عادی رو لخت کرده و گفته اینها اعضای حماس هستند که تسلیم شدن ولی یادشون رفته دمپایی‌هاشون رو حذف کنن، چون اعضای حماس همشون پوتین می‌پوشن!

محمدرضا محمدی:
بعد از شکست‌های پی‌درپی رژیم منحوس اسقاطیل و برای پوشوندن این شکست‌ها، اومدن تعدادی رو به عنوان نیروهای حماس لخت کردن! حالا ما باور کنیم اینا بازیگران خودتون نیستن؟ باور کنیم مردم عادی نیستن؟

۵ «مشخصه مؤثر» یک مدیر عالی سازمانی معتمد

کانال تلگرامی «تغییر و تحول سازمانی» به نقل از پایگاه «Mac- Legacy» نوشت: اعتمادسازی شاخص بسیار مهمی است که هر کسی که می‌خواهد یک مدیر عالی سازمانی موفق باشد، باید آن را انجام دهد و ایجاد کند. زیربنای هر ارتباط مؤثری که در محل کسب‌وکار، رئیس و کارمند یا بین همکاران یک سازمان می‌تواند وجود داشته باشد، حس اعتماد است. اعتماد چیزی نیست که ذاتی و موروثی باشد بلکه موضوعی است که با اقدام و رفتار مثبت و با مداومت در تفکر و انجام فعل مثبت در سطح یک سازمان پدیدار می‌شود. در حالی که راه‌ها و روش‌های زیادی برای تبدیل‌شدن به یک رهبر سازمانی قابل اعتماد وجود دارد اما اکثر آنها دارای مشخصات و صفات مشترکی هستند که به عنوان «۵C» شناخته می‌شوند.

۱) تعهد (Commitment): رهبر سازمانی متعهد کسی است که به هدف تعیین‌شده، چشم‌انداز ترسیم‌شده و تیم اجرایی خود وفادار باشد. او به‌رغم شکست‌ها استقامت می‌کند. وقتی یک رهبر سازمانی متعهد باشد با حضور مؤثر خود به صورت فعالانه و اقدامات مثبت نسبت به جلب اطمینان و اعتماد اطرافیان خود عمل می‌کند. تعهد به عنوان مهم‌ترین کاراکتر شخصیتی یک رهبر سازمانی به عنوان اولین عامل مؤثر در ایجاد اعتماد نیز شناخته می‌شود.

۲) ارتباط (Communication): یک رهبر سازمانی قابل اعتماد با کسانی که از وی پیروی می‌کنند، ارتباط مؤثری برقرار می‌کند. او مراقب است که گرفتار وسوسه مسائل روزمرگی نشود و از غفلت در برقراری ارتباط مؤثر پرهیز می‌کند. یک رهبر سازمانی قابل اعتماد حتی حاضر است از بخشی از تعهدات روزمره عدول کند و زمان بیشتری برای کارمندان خود بگذارد و ارتباطی مؤثر با روشی معنی‌دار با کارمندان، اعضای تیم یا افراد سازمان خود برقرار کند. ماحصل این رفتار موجب می‌شود او را فردی قابل اعتماد ببینند که به آنها اهمیت لازم را می‌دهد و برای برقراری مشارکت آنها نیز ارزش قائل است.

۳) دلسوزی (Compassion): یک رهبر سازمانی قابل اعتماد اعضای تیم و کارمندان سازمان خود را به درستی می‌شناسد، به نگرانی‌های آنها گوش می‌دهد و به طور معنی‌داری در هر مرحله از بروز مشکل دلسوزی و پاسخ مناسب ارائه می‌کند. این به معنای رمزگذاری آنها نیست. یک رهبر سازمانی قابل اعتماد با علم به اینکه می‌داند به صورت مطلق هیچ کس کامل نیست و احتمال بروز اشتباه از هر کسی ممکن است، از اعضای تیم خود انتظار دارد به صورت حرفه‌ای تکالیف، مسئولیت و وظایف خود را به انجام برسانند و در مقابل مشقتی که کارمندان در انجام وظایف خود متحمل می‌شوند، نیاز است بدانند یک نفر به آنها اهمیت می‌دهد و عملکرد آنان را می‌بیند. به صورت متعارف یک رهبر سازمانی بزرگ و قابل اعتماد پشتیبان عملکرد هر یک از اعضای تیم خود است.

۴) ثبات (Consistency): ثبات به معنای لغوی عام در تمامی زمینه‌ها جزو کلیدی‌ترین شاخصه‌های شخصیتی یک رهبر سازمانی است. یک رهبر سازمانی قابل اعتماد حتی در زیر آتش نیز انسجام رفتاری و کرداری خود را حفظ می‌کند. در چنین حالتی کارمندان وی نیز با نظرات عالی و با مدنظر قرار دادن چارچوب‌های قانونی خود را بیشتر به او نزدیک می‌کنند و در مقابل رهبر سازمانی نیز با حفظ انتظارات مستمر و واکنش منسجم و به دور از هیجانات رفتاری نسبت به ایجاد اعتمادسازی در تیم خود عمل می‌کند.

۵) شایستگی (Competency): یک رهبر سازمانی عالی غالب اوقات خود را صرف شناخت، تجزیه و تحلیل مسائل حوزه کسب‌وکار خویش می‌کند، متناسب با زمان نسبت به ارتقا و گسترش مهارت‌های خود عمل می‌کندن و به صورت مستمر در حال یادگیری است و در هیچ مرحله‌ای وانمود نمی‌کند که در همه امور تخصص دارد و برعکس به گونه‌ای عمل می‌کند که دیگران بدانند افراد ماهر و با دانش و تجربه گرداگرد وی فعالیت دارند و رهبر سازمانی به تخصص، دانش و تجربه آنان اعتماد دارد و در مقابل کارمندان و اعضای تیم رهبر سازمانی نیز به صراحت، صداقت و شفافیت در کار وی اعتماد دارند.

تلنگر!

اعظم‌سادات سیدمؤمنی در توئیتی نوشت: زمانی که قبولی تو دانشگاه آرزوی هر جوونی بود، حدود ۴ هزار نفر جوون دانشگاهی که به سختی در بهترین رشته‌ها قبول شده بودن، رفتن جنگ! این بنرها فقط بنر نیست، یه تلنگر به ماست که خیلی‌ها از بهترین جایگاه گذشتن به خاطر وطن.

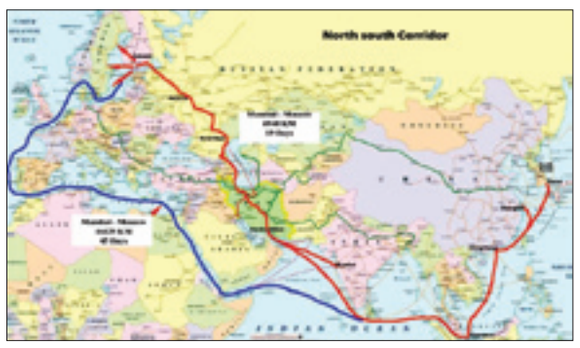

تحریم ایران بی‌معنا خواهد شد

نوید مستفیضی توئیت کرد: کاهش زمان ترانزیت کالا از بندرعباس به روسیه از ۴۹ روز به ۲۰ روز در طول یک سال گذشته و توافق برای کاهش به ۱۰ روز، در سفر رئیسی به روسیه، موقعیت کریدور شمال- جنوب را تثبیت می‌کند. روزی می‌رسد تحریم ایران بی‌معنی می‌شود.

پیاده‌روی مغز را به راه می‌اندازد

دکتر احسان خسروجردی در صفحه اینستاگرام خود ترجمه گزارشی از پایگاه «MyFitnessPal» را به اشتراک گذاشت. در این گزارش که با عنوان اصلی «Walking Could be the Key to Better Mental Health and Creativity» منتشر شده است، می‌خوانیم: پیاده‌روی نه تنها می‌تواند به کاهش وزن و سلامت قلب شما کمک کند، بلکه می‌تواند شما را به فردی مؤثرتر تبدیل کند. در حالی که همه اینها بهانه‌های فوق‌العاده‌ای برای پیاده‌روی هستند، تحقیقات نشان می‌دهد می‌تواند یک موهبت بزرگ برای سلامت روان شما نیز باشد. مطالعه و تحقیقی در استنفورد نشان می‌دهد، تفکر خلاق فردی که در حال راه رفتن است، نسبت به حالت نشسته بهبود می‌یابد. اگر جلسات کوچکی در محل کار دارید یا تماس‌های تلفنی زیادی دارید، ببینید آیا می‌توانید به جای نشستن یا ایستادن، راه بروید و ملاحظه خواهید کرد که چگونه پیاده‌روی بر خلاقیت شما تأثیر می‌گذارد و لازم نیست برای بهره‌مندی از مزایای آن در فضای باز پیاده‌روی کنید. مطالعه و تحقیق در استنفورد تفاوت معنی‌داری بین راه رفتن در فضای باز و بسته پیدا نکرده است، بنابراین حتی اگر در سالن‌های ساختمان اداری خود یا در اطراف یک مسیر سرپوشیده قدم بزنید، همچنان از مزایای آن بهره‌مند خواهید شد. پیش از این هم نشان داده شده است که پیاده‌روی حافظه و تمرکز شما را بهبود می‌بخشد. پیاده‌روی ضربان قلب ما را افزایش می‌دهد و خون و اکسیژن بیشتری به مغز می‌رسد، بنابراین ممکن است شما در آن جلسه همراه با پیاده‌روی بیشتر از آنچه همکارتان می‌گوید، مسئله را فهم و تحلیل کنید. پیاده‌روی منظم همچنین می‌تواند اندازه بخشی از مغز را که با افزایش سن کاهش می‌یابد و در از دست رفتن حافظه نقش دارد، افزایش دهد. در حالی که تحقیقات در این زمینه هنوز ناچیز است، پیاده‌روی می‌تواند در کاهش علائم افسردگی نیز مفید باشد.

کلمه‌ای در غزه شهید شد

پرستو علی‌عسگرنژاد در صفحه اینستاگرام خود با انتشار تصویر فوق نوشت: شما دارید به عکس رفعت العریر نگاه می‌کنید. او نظامی نبود. اگر بخواهم کامل صدایش کنم، باید بگویم استاد دکتر رفعت العریر. رفعت در دانشگاه ادبیات درس می‌داد. شعر می‌گفت. داستان می‌نوشت. رفعت کلمات را می‌فهمید. وزن واژه‌ها را حس می‌کرد. در صفحه‌اش به میوه‌ها و گل‌ها دقیق می‌شد. ظرافت‌شان را ادراک می‌کرد. رفعت زبان می‌دانست. به شاگردانش انگلیسی درس می‌داد. داستان نوشتن یادشان می‌داد. رفعت، ۶۰ روز مداوم، پشت یک صفحه ایستاده بود [که حدود ۹۰ هزار نفر عضو داشت] این ایده او بود: «ما عدد نیستیم.» او ۶۰ روز، لاینقطع، قصه شهدای غزه را برای دنیا تعریف می‌کرد. با چشم خیس می‌نوشت و می‌نوشت و می‌نوشت تا دنیا بداند ۲۰ هزار نفر شهید طی دو ماه، یک گزارش آماری از غزه نیست، ۲۰ هزار زندگی، ۲۰ هزار روایت، ۲۰ هزار داستان است که در گور دسته‌جمعی زیر خاک رفته.

امروز، دکتر رفعت العریر، تبدیل شد به شهید رفعت العریر. امروز اسرائیل خانه او را بمباران کرد و رفعت و هر شش نفر عضو خانواده‌اش باهم شهید شدند. امروز، تمام شاعران آزاده جهان، تمام نویسندگان روشن‌ضمیر جهان در غزه شهید شدند. امروز کلمه‌ای در غزه زیر آوار ماند که مثلش نبود و نیست. واژه‌ای به آسمان رفت که بلند بود، خیلی بلند، آن‌قدر که به سرانگشت آرزو، دستم به بلندای قامت نستوهش نرسد؛ رفیع، درست مثل اسمش.

رفعت العریر، اسطوره من بود. تقلا می‌کردم بین او و خودم قرابتی پیدا کنم از جنس ادبیات، کلمات و زبان. آرزوبه‌دل بودم مثل او مؤثر باشم. او نظامی نبود، اما کلمه را مثل سلاحی بی‌مانند میان انگشتانش می‌چرخاند و سمت ظالمان جهان شلیک می‌کرد. رفعت، حاشیه‌نگار رنج فلسطین بود. رفعت [در صفحه‌اش] نوشته [بود]: «اگر من باید بمیرم، پس تو باید زنده بمانی تا داستانم را برای بقیه تعریف کنی. تا خرت‌وپرت‌هایم را بفروشی... و از لباس‌هایم، از بند کفنم، نخ بلند بادبادکی بسازی تا بچه‌ای در غزه که بهشت در نگاهش خانه کرده، در جست‌وجوی پدری که در چشم‌به‌هم‌زدنی شهید شده، این بادبادک را؛ بادبادکی را که تو از من ساختی، ببیند و شده برای لحظه‌ای تصور کند فرشته‌ای است که عشق را به او بازگردانده. اگر من باید بمیرم، بگذار این مرگ امیدی بیافریند، بگذار این مرگ افسانه‌ای باشد.» کلمه عزیز من که امروز شهید شدی! تو کلمه‌ای. عدد نیستی. دنیا شاید اعداد را فراموش کند، اما کلمات را هرگز از یاد نخواهد برد، به خصوص اگر این کلمات، حماسه‌ای باشند، چنان که تو بودی.

مقصران آلودگی هوا به روایت نماینده مردم اصفهان

دکتر مهدی طغیانی، نماینده مردم اصفهان در صفحه مجازی شخصی خود نوشت: ۲۳ آبان‌ماه چهارمین روزی است که از ابتدای سال، اصفهان به خاطر آلودگی هوا تعطیل می‌شود و این وضعیت در کشور بی‌نظیر است! در این باره نکاتی عرض می‌شود: حسب اطلاع واصله گویا هنوز از مازوت‌سوزی در نیروگاه شهید منتظری به عنوان متهم ردیف اول خبری نیست و باید سراغ سایر متهمان رفت. تهران با اقلیم مشابه حداقل پنج برابر اصفهان وسیله نقلیه سبک دارد، بنابراین نسبت دادن این حجم از آلودگی به خودروهای سبک شهری هم اساساً منتفی است. اگرچه این خودروها و به ویژه موتورسیکلت‌ها از جمله سرچشمه‌های آلاینده به شمار می‌روند. حسب مطالعات مراکز دانشگاهی توسعه غیراصولی صنعت به صورت فشرده و در شعاع پیرامون کلانشهر اصفهان و حواشی آن از جمله حمل‌ونقل مواد اولیه و محصولات تولیدی و نیز رفت‌وآمد پرسنل با خودروهای سنگین آلاینده قطعاً از جمله دلایل اصلی آلودگی متمایز هوا در شهر اصفهان است. بیش از ۲۵ شهرک صنعتی با هزاران واحد تولیدی اغلب آلاینده در شعاع کمتر از ۷۰ کیلومتری شهر اصفهان به همراه دهها واحد تولیدی بزرگ از جمله فولاد، ذوب‌آهن، نیروگاه و پالایشگاه و صدها واحد صنعتی و کارگاه ریخته‌گری و کوره آجرپزی و غیره همگی به انتشار انواع آلاینده‌ها در هوای سرد پاییزی مشغولند و تهویه‌ای که به دلیل سکون جو امکانپذیر نیست و خیلی زود اشباع می‌شود!

نظارت خاصی هم به موجب قانون بر این همه واحد صنعتی یا اساساً نیست یا به شکل کارآمدی اعمال نمی‌شود. (از وضعیت آلایندگی یکی از واحدهای بزرگ صنعتی گزارش گرفتم در ۱/۵ سال ۸۰ مرتبه آلودگی ثبت شده بود که با ۱۸ مورد تذکر و دو پرونده در دادگاه، تنها بعد از دو سال ۷ میلیون تومان جریمه شده بود! یعنی تقریباً معادل هزینه یک روز غذای دفتر مدیرعامل!) و در کنار این صنعت و تولید، بیش از ۲/۵ میلیون انسان در حال تنفس این هوای اشباع از اغلب عناصر جدول مندلیف هستند!

تصویر منتخب

انرژی هسته‌ای چه تأثیری در کاهش آلودگی هوا دارد؟
| از کانال تلگرامی تبیان